

بررسی عوامل مؤثر بر روابط ایران و چین و تأثیر آن بر مبادلات

محصولات طبّی - دارویی در عصر باستان

حمید کاویانی پویا^۱

چکیده

کشور چین در دنیای باستان به سبب حجم انبوه کالاهای تولیدی و محصولاتش، نیاز به وجود صادرات به غرب را اجتناب ناپذیر می‌دید و در این بین مهم‌ترین سرزمینی که در غرب چین واقع شده و از لحاظ سیاسی و علمی و همچنین از جنبه محصولات کشاورزی و تنوع محصولات از سطح بالایی برخوردار بود، کشور ایران بود. بنابراین دو کشور منافع خویش را در پیوند با یکدیگر می‌دانستند. بر این اساس پرسش مطرح این خواهد بود که روابط بین ایران و چین در عهد باستان از چه اهمیتی برخوردار بوده، چگونه میسر می‌گردید و چه عواملی در رونق این روابط و به ویژه تبادلات علوم پزشکی بین ایران و چین دخیل بود؟ همچنین این روابط چه نقشی در وضعیت علوم پزشکی و دارویی ایرانیان و چینیان ایفا نمود؟ در پاسخ این پرسش‌ها، با رجوع به منابع و گزارش‌های تاریخی و با در پیش گرفتن روشی توصیفی - تحلیلی متوجه می‌گردیم که راه‌های ارتباطی زیادی چین را به ممالک غربی وصل می‌کرد که مهم‌ترین آن‌ها از قلمرو ایرانیان می‌گذشت و ایران به عنوان پل ارتباطی در دریافت کالاهای شرقی و نیز ارسال محصولات بازرگانی ممالک غربی و محصولات ایرانی به شرق و به ویژه چین که در انتهای جاده مهم ابریشم قرار داشت، به ایفای نقشی مؤثر می‌پرداخت و مهم آنکه از کالاهای اساسی و پرطرفدار که از این راه‌های ارتباطی گذر می‌نمود، نباتات و گیاهانی بودند که کاربردی غذایی و دارویی داشته و از چنان درجه اعتبار و کثرتی برخوردار

۱. استادیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

Email: kavayani@uk.ac.ir

بودند که نام برخی از راه‌های مهم به نام این مواد دارویی و بهداشتی خوانده می‌شد. همچنین یکی از عوامل توجه ایرانیان به علوم دیگر ملل و به ویژه دستاوردهای طبی چینیان، باور به یک ایدئولوژی بود که در دوران ساسانیان شکل گرفت و طبق آن، چنین پنداشته می‌شد که علوم ملل مختلف از کتب مقدس ایرانیان «اوستا» برگرفته شده است و این تفکر، تسامح و اشتیاق ایرانیان در اخذ و اقتباس از علوم چینیان را موجب گردید.

واژگان کلیدی

ایران و چین، راه‌های ارتباطی، پزشکی، محصولات دارویی - بهداشتی

مقدمه

قدمت روابط ایرانیان با چینی‌ها تا بدان جاست که پیش از تاریخ و در بین اسناد و مدارک اساطیری می‌توان رد پای این روابط را یافت. برای نمونه در تاریخ اساطیری ایران به هنگام شهریارِ فریدون آمده است که: «فریدون پادشاه ایران، سرزمین تبت و چین و بلاد مشرق را به یکی از سه پسران خود به نام تور یا طوج سپرد.» (آموزگار، ۱۳۷۴ ش.) بنابراین زین پس در تاریخ اساطیری ایران، هر گاه نام از سرزمین توران می‌رود باید دست کم بر بخشی از سرزمین شرقی چین نیز این منطقه جغرافیایی را محسوب داشت. همچنین در نتیجه نزدیکی روابط ایران و چین، برخی داستان‌های حماسی ایرانی را عیناً در چین و اساطیر چینی می‌توان سراغ گرفت؛ به طور مثال، داستان زال سپیدموی، رستم و سهراب و داستان سیاوش در روایات چینی وجود دارد. (کویاجی، ۱۳۵۳ ش.) به هر روی ارتباطات فرهنگی نزدیک ایران و چین به سده‌های دور (سده‌های مفرغ تا متأخرترین زمان سده ۹ قبل از میلاد) می‌رسد (واتسن، ۱۳۷۳ ش.) و به گونه‌ای است که حتی به زعم برخی پژوهشگران، چین نامی است ایرانی که در اوستا «سائینی» (سپس؛ سین/صین) خوانده شده و در رده یکی از پنج سرزمین آریایی آمده است. (عطایی، ۱۳۸۶ ش.) واژه فغفور (بغپور) نیز واژه‌ای ایرانی به معنی پسر خداست که به فرمانروایان چین اطلاق می‌شد. (فانگ ژن، ۱۳۷۲ ش.) با ذکر این مقدمه مشخص می‌گردد که ایرانیان و چینیان در عهد باستان روابطی با یکدیگر داشته و به سبب برخورداری طرفین از موقعیت مطلوب اقلیمی، وجود راه‌های بازرگانی بین دو سرزمین و همچنین کشت نباتات و وجود محصولات دارویی غنی، در دوره‌هایی از تاریخ به مبادلاتی نیز پرداخته‌اند. این در حالی است که ایرانیان و چینیان در بهره‌بری از داروها و در زمینه درمانگری به دستاوردهای مطلوبی نائل آمده بودند.

همچنین به سبب این که مهم‌ترین قدرتی که در شرق سرزمین‌های ایران وجود داشت، چین بود و همسایه باختری چین که می‌توانست در کسب منافع سیاسی و اقتصادی به این کشور یاری رساند ایران قلمداد می‌شد، هر دو کشور پیوندی عمیق با هم یافته و حتی به سبب موقعیت استراتژیکی مطلوب ایران این کشور منشأ ورود برخی محصولات طبّی و اقلام دارویی و همچنین دستاوردهای علمی ایرانیان به چین بوده است.

بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد با نگاهی اجمالی به روابط دو سرزمین، اهمیت این روابط را بررسی نموده و با توجه به راه‌های مهم ارتباطی بین شرق و غرب، بدین پرسش پاسخ دهد که: ایرانیان و چینیان از چه سطح ارتباطی با یکدیگر برخوردار بوده و چه عواملی در ایجاد ارتباط و انتقال دستاوردهای علمی، فرهنگی و به ویژه انتقال علوم طبّی و دارویی به سرزمین طرفین دخیل بوده است؟ و سرانجام این که راه‌های مهم موجود بین ایران و ممالک شرقی و غربی چه نقشی در انتقال فراورده‌های طبّی - دارویی به ایران و چین ایفا نمودند؟

الف - نگاهی اجمالی به روابط ایران و چین در عصر باستان و اهمیت آن

در عصر تاریخی با توسل به یافته‌های باستان‌شناسان می‌توان به وجود ارتباطاتی بین ایران و چین نائل آمد. بدین گونه که از سده‌ی نهم یا هشتم پیش از میلاد به این ارتباطات فرهنگی برمی‌خوریم به ویژه در نوع آرایش خنجر و یراق اسب در شمال چین در دوره شاهان نخستین دودمان چو^۱ بدین ارتباط برمی‌خوریم (بویل، ۱۳۶۸ ش.) که با حضور سکاها در مرزهای شرقی ایران این روابط به سطح بالایی از نوع خود می‌رسد. با ظهور هخامنشیان تا بدانجا که مدارک تاریخی

و برخی سنگ‌نبشته‌های هخامنشی نشان می‌دهند می‌دانیم که کوروش تا شمال هند و آن سوی جیحون سرزمین خویش را در برخورد با سکاها (سیت‌ها) گسترش داد و سکاها که از لحاظ جغرافیایی در بخش‌های پهناوری از دشت‌های جنوب روسیه تا مرزهای چین پراکنده بودند. (فرای، ۱۳۶۸ ش.) در پیوند روابط ایران و به طور کلی غرب نقش به سزایی را بر عهده داشتند تا بدانجا که برخی از پژوهشگران شباهت روایات اساطیری ایران و چین را به خاطر وجود سکاها (سیت‌ها) و الهام‌گرفتن چینی‌ها از فرهنگ این اقوام آریایی که مابین سرزمین ایران و چین می‌زیستند، می‌دانند. (گوتشمید، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

پس از نخستین شهریار هخامنشی، با فتوحات داریوش در نواحی شرقی، مرزهای هخامنشی به آسیای میانه و قسمتی از سرحدات چین رسید، هرچند درباره این ارتباط اطلاعاتی در دست نیست با این حال در تاریخ طبرستان به نقل از نامه تنسر به روابط ایران و چین اشاراتی شده است. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶ ش.) همچنین با توجه به التفات شهریارانی چون داریوش به دستاوردهای علمی و فنی دیگر ممالک و اقدامات وی در برپایی مراکز علمی و مؤسسات عام‌المنفعه - همچون درمانگاه‌ها و مراکز آموزشی و درمانی - در ممالک انیرانی بعید نیست که در این دوران چینی‌ها و ایرانیان از علوم یکدیگر تأثیر پذیرفته باشند. (کاویانی پویا، ۱۳۹۳ ش.)

با این همه حضور چین در منابع مکتوب و ظهور چینیان در مرزهای ایرانی را پس از سقوط هخامنشیان می‌توان به وضوح مشاهده کرد. در واقع پس از اندکی که از بنیاد سلسله‌ی سلوکی در ایران گذشت در کنار قلمرو پادشاهی یونانی - بلخی (۲۵۰ قبل از میلاد) امپراتوری نوپای چین به سرکردگی سلسله هان (۲۲۰-۲۰۶ قبل از میلاد) از خاور زمین سربرآورد و برای نخستین‌بار در غرب با

دنیای خارج، پارت و سپس از طریق پارت با روم، مناسبات سیاسی و تجاری را آغاز کرد. در واقع چین و پارت هر دو در چند مرحله در معرض تاخت و تاز هون‌های صحراگرد قرار گرفتند (بروسیوس، ۱۳۸۸ ش.) و همین وجود دشمنان مشترک از عوامل نزدیکی این دو کشور بزرگ و ایجاد ارتباطات گسترده بین طرفین گردید. در منابع چینی مشاهدات کم شائبه‌تری درباره پارت^۲ و اقوام آن، که نخستین تماس چینیان با جهان باختری‌اند، ثبت شده است. (بروسیوس، ۱۳۸۸ ش.) به هر روی یکی از روش‌هایی که سبب این ارتباطات گسترده بین دو کشور ایران و چین در روزگار اشکانی گردید، رونق مسیری بود (به نام راه ابریشم) که ساده‌تر و مطمئن‌تر از دیگر راه‌ها و روش‌ها این دو کشور را به هم ارتباط می‌داد و برای ایرانیان اهمیت این ارتباط با چین به گونه‌ای بود که گفته می‌شود؛ در ایوان کسری (کاخ شاهی) در تالار بزرگ بار عام سه کرسی خالی در پایین تخت شاهی برای پذیرایی و دیدار با امپراتور روم، خاقان بزرگ آسیای میانه و امپراتور چین جا داده بودند (ویسپهور، ۱۳۷۷ ش.) و سکه‌های ساسانی یافته‌شده در مناطق جنوبی چین نشانگر وجود روابط بازرگانی چین با خلیج فارس و کثرت این سکه‌ها نشان از اهمیت این روابط تجاری و رونق آن دارد. (کورتین، ۱۹۸۴ م.)

ب - برخی راه‌های مهم ارتباطی بین ایران و چین (در عصر باستان) و مبادله محصولات طبی

در ایران زمین از همان روزگار هخامنشیان (۵۵۰ قبل از میلاد) راه‌های ارتباطی مهمی وجود داشت که برخی از آن‌ها جنبه بین‌المللی داشته و ممالک شرق و غرب را به هم ارتباط می‌داد. از این جمله راهی است موسوم به «راه ابریشم». از این راه که برای تبادل کالا و فرهنگ از استان‌های شرقی چین آغاز و

بعد از عبور از ایران به اروپا می‌انجامید، تنها ابریشم صادر نمی‌شد، بلکه اقلامی همچون گیاهان نباتی، مانند ریواس و دارچین و نوعی آلیاژ مس که در ایران بدان (خارچینی) می‌گفتند، از چین، (باستانی پاریزی، ۱۳۵۲ ش.) مس، قلع و فیروزه از ایران، طلا از کوه‌های آلتای مغولستان، سنگ لاجورد و یاقوت از افغانستان، بخوردان از عربستان، پشم از هند و محصولات صحرانشینان مانند پشم و چرم در آمد و شد بود. (کریستین، ۲۰۰۰ م.) با این همه نام این جاده را در سده نوزدهم «راه ابریشم» نامیدند (فولتس، ۲۰۱۳ م.) و با وجود برخی گمانه‌زنی‌ها درباره قدمت این جاده به روزگار اشکانیان (سده سوم ق.م)، باستان‌شناسان قدمت مجموعه راه‌های که امروزه موسوم به «ابریشم» است را حداقل به سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد می‌رسانند. در واقع شواهد بسیار نشان می‌دهد که جاده ابریشم در هزاره سوم ق.م احداث گردیده است (دانیل، ۱۳۶۳ ش.) و چین نیز در این هزاره روابط تجاری پراکنده‌ای از طریق راه ابریشم با غرب و به ویژه ایران داشته است. (کوپن، ۱۹۹۷ م.) با این حال این از سده سوم قبل از میلاد بود که اعتبار راه ابریشم دوچندان گردید و اشکانیان که از مناطق شرقی ایران برخاسته بودند به ارتباطات با کشورهای شرقی و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آن‌ها چین بسیار اهمیت داده و تقریباً در تمام دوران حکومت اشکانی این دولت و دولت روم در زمینه تجارت و در دست‌گرفتن راه‌های بازرگانی به ویژه راه ابریشم رقابت می‌کردند^۳ (فولتس، ۲۰۱۳ م؛ کوپن، ۱۹۹۷ م.) و از طریق این روابط گسترده پارت‌ها و چینیان بود که از این پس شاهد غنای علمی و به ویژه محصولات دارویی ایرانیان هستیم و گیاه‌نامه‌ها و رساله‌های دارویی همچون کتاب میتیریدات ششم پونتی پدید می‌آید.^۴ در عصر ساسانی نیز تجارت و مبادلات دارویی از طریق راه ابریشم، حتی مهم‌تر از قبل در

حال جریان بود و در پیشرفت و توسعه محصولات طبی سیر این روابط تأثیرات عمده‌ای بر جای گذاشت.^۵

باری، سوای دیرینگی این جاده که نشانگر قدمت ارتباط ایران و سرزمین‌های غربی آن با ممالک شرقی و چین بوده و از طریق آن محصولات و تولیدات دارویی بین ممالک شرقی (همچون چین و هند) و غربی (ایران و مناطق غربی میانرودان) مبادله می‌شد. آن گونه که برخی پژوهشگران اذعان دارند، در عهد باستان برای ارتباط با کشورهای شرق و غرب راه‌ها و جاده‌هایی بنیاد شده بود و یا به طور طبیعی وجود داشت که از آن‌ها بهره‌برداری می‌شد^۶ و مهم آنکه در این راه‌ها، کالا و محصولی که مهم جلوه می‌کرد و اساس مبادلات بر آن‌ها بود و خواهان زیادی در بین ملل مختلف داشت، «ادویه‌جات و نباتاتی» بودند که برای ملل و دولت‌های مطرح در این مبادلات تجاری مصرف دارویی داشت. به طور نمونه در منابع یونانی قدرت هخامنشیان بر مبنای تسلط آنان بر خلیج فارس و دریای عمان و تجارت از طریق این آب‌راه‌ها تبیین شده است، البته تجارت در این راه‌های دریایی به دوره سومری برمی‌گردد (دریایی، ۲۰۰۳ م.) و جالب آنکه مهم‌ترین محصول و کالای مورد مبادله از طریق این راه‌ها «ادویه» بود، محصولی که در بازارهای غربی خواهان بسیاری داشت و از مبادلات پرسود به شمار می‌رفت. همچنین طبق گزارش منابع در حاشیه خلیج فارس، مناطقی بودند که به تجارت مواد معطر و دیگر مواد دارویی مبادرت داشتند؛ در این ارتباط گفته شده است که «آنتیوخوس سوم» (۲۲۳-۱۸۷ ق.م) شاه سلوکی به هنگام لشکرکشی به سوی هند بدین دلیل مسیر بازگشت را مناطق جنوبی ایران انتخاب کرد که از دستاوردها و ثروت این مناطق بهره‌مند گردد. وی از ساکنان شهر ثروتمند «گرا» که تجارت عطریات را در دست داشته و میان امپراطوری سلوکی و عربستان واسطه‌ای بودند، باج و

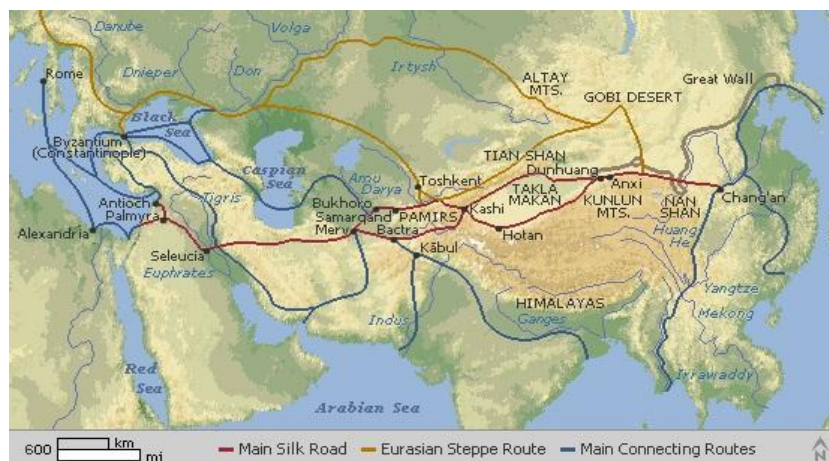
خراج ستاند و از مراکز صید مروارید و تجارت عطریات در القطیف و بحرین بازدید کرد. (دیاکونف، ۱۳۸۷ ش؛ زرین کوب، ۱۳۶۴ ش).

از «راه ادویه» که مسیر دریایی این جاده طبق گزارش «یعقوبی، ابن بطوطه و یاقوت» از چین به هرمز و به سمت عمان و به کیش می‌رفت (ابن بطوطه، ۱۳۷۶ ش.) و پس از رسیدن به خلیج فارس به ایالت جبال و جاده ابریشم می‌پیوست^۷، افزون بر ادویه، می‌توان به پانیذ، نیشکر و یک نوع شکر سفید اشاره داشت که از کالاهای مهم و کالاهای پرطرفدار در قرن هفتم بوده و مورد تمجید «یاقوت حموی» (بی‌تا) نیز قرار گرفته است. در سده سوم میلادی راه ادویه مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این راه مدیترانه و چین را از راه دریا به هم پیوند می‌داد و همراه با جاده ابریشم سراسر آسیا را به هم متصل می‌کرد. با گسترش یافتن تجارت دریایی شهرهای ساحلی و بندرگاهی که در کناره خلیج فارس و یا در کناره رودخانه‌های قابل کشتیرانی مانند دجله، فرات و کارون که به خلیج فارس می‌ریزند، قرار داشتند، رونق چشمگیری گرفت. در این زمان ایرانیان از طریق دریا و راه ادویه با هندی‌ها و چینی‌ها در ارتباط بودند و کالاهایی متنوعی در ساحل خلیج فارس مبادله می‌شد. به طوری که از چین محصولات دارویی - خوراکی، مانند دارچین و ریوند چینی از اهواز، شکر، قند، نبات و خرما از فارس زره، بذر کتان، گلاب، عطریات، پارچه، شراب و خشکبار و از شوش مرکبات، عطریات و بسیاری از کالاهای دیگر مبادله می‌شد (آذری، ۱۳۶۷ ش.) که این نشان از توجه به راه‌های دریایی و رونق تجارت در خلیج فارس داشت.

همچنین راه کاروان‌روی قدیمی نیز در این مسیر وجود داشت که از سواحل سوریه تا جنوب عربستان و حضرموت امتداد داشت و با عنوان «راه عطریات» خوانده می‌شد و یکی از راه‌های مورد اختلاف دو دولت ایران و روم به شمار

می‌رفت. (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷ ش.) استخری از راهی در جنوب نام می‌برد که محصولات شرقی و هند را به بندر تاریخی سیراف (در استان بوشهر امروزی) می‌رسانید، این واردات بیشتر شامل محصولات طبی - دارویی و به ویژه کالاهای بهداشتی و عطرها از قبیل: «عود و عنبر و کافور و فلفل و صندل و انواع عطرها و داروها و ادویه ها بود» (لسترنج، ۱۳۸۶ ش.) به هر روی در عصر ساسانی راه‌های دریایی که از طریق سیلان و دریای هند به بنادر جنوب عربستان می‌آمد، اهمیت یافته بود و ساسانیان سعی در تسلط بر این راه‌ها را داشت و برای این منظور ایران با تسلط بر عمان می‌کوشید از این موضع، بازرگانی اقیانوس هند را زیر نظارت خود بگیرد و جای پای در نواحی حاصلخیز حصرموت و یمن که به عربستان سعید یا عربستان معطر معروف بود، به دست آورد (یار شاطر و همکاران، ۱۳۸۳ ش.) که به این مهم در عصر انوشیروان با تسلط بر عربستان معطر (یمن) که از آن مواد بهداشتی و دارویی ارزشمند و کمیابی حاصل می‌شد، دست یافت.

همچنین در راستای مباحث فوق گفته می‌شود، بازرگانان رومی «جاده دارچین» را که از جنوب خاوری آسیا تا سواحل شرقی افریقا ادامه داشت، می‌شناختند. پلینی در سده اول میلادی می‌نویسد: دارچین بر روی قایق‌های بی‌بادبان، بی‌پارو و بدون سکان از دریا‌های پهناور می‌گذشت و به حبشه می‌رسید. در واقع ادویه مجمع‌الجزایر مالزی و اندونزی (که غربی‌ها آن‌ها را جزایر ادویه خواندند) به چین ارسال می‌شد و از چین و از طریق آسیا به غرب فرستاده می‌شد. (خوجوئه، ۱۳۶۳ ش.)



مسیر اصلی راه ابریشم (UNWTO/ Silk Road programme, 2015)

ج - وضعیت اقلیمی و محصولات و نباتات خوراکی - دارویی ایران

با توجه به راه‌های مختلف ارتباطی بین ایران و ممالک شرقی که حتی با عناوینی چون راه ادویه، راه دارچین، راه عطریات و... معروف بوده و شناخته می‌شدند، آنچه مهم است بهره‌ایست که ایرانیان و چینیان از دستاوردهای علمی (به ویژه در زمینه بهداشتی - درمانی) و از محصولات یکدیگر می‌بردند. در این باره گفتنی است که جدا از گزارش‌هایی که منابع و اسناد چینی درباره وضعیت مطلوب کشاورزی و رشد و پرورش انواع نباتات و محصولات ارائه می‌دهند و بدان‌ها اشاره شد، حتی امروزه و با کاهش قابل ملاحظه قلمرو ایران نسبت به دوران باستان، به خاطر تنوع آب و هوایی بیش از ۷۵۰۰ نوع گیاه در ایران رشد می‌کند و در حدود ۱۸۰۰ نوع از انواع آن‌ها خاصیت دارویی دارند و با وجود این که برخی از این انواع گیاهان دارویی در هیچ بخش دیگری از جهان یافت نمی‌شوند. گفتنی است که منشأ مهم تنوع گیاهی غنی در ایران، به سبب تنوع وضعیت آب و هوایی و همچنین بخشی از آن به خاطر جاده‌های مهم تجاری آن

به هند و چین می‌باشد. (ادهمی، ۲۰۰۷ م.) در توضیح این مبحث گفتنی است که در کنار چین به دیگر شریک تجاری ایران با غرب کشور هندوستان نیز باید اشاره داشت که دارنده محصولات فراوان بوده و بسیاری از کالاهای خود را که بیشتر آن‌ها ادویه و گیاهان دارویی بود، از طریق ایران به غرب صادر می‌کرد و این امر در غنای محصولات و گیاهان دارویی ایران بسیار مؤثر بود. حجم این مبادلات تجاری به حدی بود که برخی از مورخین معتقدند که تا قبل از دوران اشکانیان هرگز دولت‌های شرق و غرب بدین‌سان با هم ارتباط حاصل نکرده بودند و هرگز پیش از این عهد، موج مال‌التجاره‌هایی که در دو جهت جریان داشت، بدین وجه نیرومند نگردیده بود. (گیرشمن، ۱۳۸۵ ش؛ جرال، ۱۳۶۷ ش؛ کوین، ۱۹۹۷ م؛ چین، ۲۰۱۳ م.)

بر این اساس آنچه سبب رونق تجارت بین ایران و چین و اشتیاق چینیان و رومیان به ایجاد ارتباطات و مبادلات محصولات با ایرانیان گردید، همین ویژگی استراتژیکی ایران و تنوع و تعدد نباتات و پوشش گیاهی این سرزمین بود و همین شناخت از مواد و محصولات مفید خوراکی و دارویی ایرانیان در عصر اشکانی و در نخستین روابط مستقیم چین با ایران در این روزگار بود که راه ابریشم در عصر پارتیان رونقی دوچندان یافت^۸ و این همه سوای اهمیت و اعتباری که اشکانیان به مسأله تجارت قائل بودند به سبب اقتصاد پویای پارتیان و اقلیم ایران و محصولات مورد استفاده و موجود در ایران بود. در این‌باره نگاهی اجمالی به وضعیت اقتصادی ایران و محصولات ایرانی از روزه گزارش‌های چینیان، روشنی‌بخش چرایی این ارتباطات و گرایش به مبادلات ملل مشرق با ایرانیان است. در منابع چینی سرزمین پارتیان (آن - هسی / An-hsi) «سرزمینی است مستعد کشاورزی که در آن مزارع زیر کشتند، برنج و گندم کاشت می‌شود و از انگور شراب می‌گیرند... در

این سرزمین، پیشه‌وران و بازرگانانی می‌زیند که با گاری یا قایق به سرزمین‌های همجوار سفر می‌کنند و گاه تا چند هزار لی مسافت را درمی‌نوردند.^۹ بر اساس این گزارش اشکانیان، به پرورش دام، توسعه شبکه‌های آبیاری و کشت جو و برنج و غلات دیگر پرداخته و تولید شراب در املاک بزرگ و در باغ‌ها انواع گوناگون درختان میوه به بار می‌آوردند. (بروسیوس، ۱۳۸۸ ش.) در واقع بر اساس این آمد و شدهای سفرای چینی به ایران و پس از این سفارت‌ها که حاوی اطلاعات فراوانی در مورد دارایی و نوع غله‌هایی که در ایران کشت می‌شد، بود (ورستندیک، ۱۳۸۶ ش.) که چین قدرت پارت را در شرق به رسمیت شناخت و بدین سان نخستین ارتباط مستقیم بین ایران و چین برقرار شده و دستاوردهای علمی و تولیدات نباتی و دارویی و حتی غذایی طرفین در این ارتباطات نیز مورد مبادله قرار گرفت.^۹ با نگرشی به متون غیر چینی نیز متوجه خواهیم شد که ایران زمین در کشت و استفاده از گیاهان دارویی در دنیای باستان کاملاً شناخته شده بود، به گونه‌ای که از هرودوت (سده ششم قبل از میلاد) و گزنفون و استرابو تا آثار افرادی که در گیاه‌شناسی شهرت خاصی داشتند، همچون پلینی، جالینوس و دیوسکوریدس (سده نخست میلادی) به این ویژگی اقلیم ایران و مهارت ایرانیان اذعان دارند.^{۱۰}

به خاطر این پتانسیل اقلیمی ایران و غنای محصولات دارویی ایرانیان تجار چینی برای ارتباط با دولت اشکانی تا مناطق شرقی ایران و گاه تا قلب سرزمین اشکانی پیش رفته و به داد و ستد می‌پرداختند. آن‌ها کالاهایی مانند پارچه‌های ابریشمی، دارچین، ریواس و خز را در بازارهای افغانستان می‌فروخته و به جای آن عاج، پارچه‌های کتان، زیبا، پارچه‌های پشمی، سنگ‌های قیمتی و اسب‌های سواری برای بازگرداندن به چین می‌خریده‌اند. (لویس پاول تاد و همکاران، ۱۳۴۲ ش.)

با وجود چنین شواهدی، می‌توان گفت که ایران دوره اشکانی، همچون گذشته، شاهراه مبادلات تجاری و به دنبال آن مبادلات فرهنگی بین شرق و غرب بوده است و در این رهگذر حضور فرهنگ‌های بیگانه می‌تواند زمینه نفوذ روش‌ها و سنت‌های طبی آن‌ها را در بین اقوام متعدد ایرانی فراهم آورده باشد. در واقع ایرانیان از سال‌ها پیش در آسیای میانه اقامت گزیده و با هندوستان و چین و حتی اندونزی دوردست داد و ستد داشتند. (شفر، ۱۹۵۱ م.) آن‌ها (به صورت یک قدرت دولتی یا مستقلاً در گروه بازرگانان و یا خرده دولت‌ها) به کسب و کار علاقه زیادی داشتند و می‌خواستند انحصار تجارت ادویه و ابریشم را در دست خود داشته باشند. انگیزه ایشان نیز طبعاً سود اقتصادی بود تا فعالیتی که از حمایت دولت برخوردار باشد. (دریایی، ۱۳۸۳ ش.) باری با توجه بدین مبادرت ایرانیان در داشتن ارتباط انحصاری با شرق و به ویژه چین و با توجه به تنوع اقلیمی ایران و پیشرفت کشاورزی و باغداری در ایران، علاوه بر ابریشم که از طریق ایران به غرب می‌رسید، محصولات و نباتاتی با خاصیت دارویی از چین به ایران و همچنین از ایران نیز به شرق و غرب صادر می‌شد و این محصولات در روم و چین بازار وسیعی داشته و به تدریج به ویژه در فرهنگ غذایی و دارویی ملل مربوطه تغییر به سزایی ایجاد نمود.

د - تبادلات مواد و محصولات طبی - دارویی بین ایران و چین در روزگار اشکانیان و ساسانیان

بر مبنای ویژگی سرزمینی ایران و وضعیت مطلوب کشاورزی و کشت نباتات و مواد دارویی و خوراکی ایرانیان طبق شواهد و اسناد، کالاهای صادراتی ایران به چین که از طریق جاده ابریشم و راه ادویه و راه عطریات منتقل می‌شد،

محصولاتی چون یونجه بود که چینی‌ها آن را با اسب‌های ایرانی به چین برده و در آنجا کاشتند. همچنین بر اساس منابع چینی برخی محصولات و فرآورده‌ها برای نخستین بار از ایران به چین وارد شد و با عنوان میوه مادی و پارتی شهرت یافت از این قبیل بودند: انار «میوه پارتی»، زردآلو و هلو، شراب، انگور و اسب‌های نسایی از ماد. (ویسهوفر، ۱۳۷۷ ش.) به استناد «رساله دوستی دیرینه چین و ایران» می‌توان گفت که خیلی از حیوانات و نباتات ایرانی به وسیله ایرانی‌ها یا خود چینی‌ها به کشور آن‌ها رفت. به عنوان مثال «اسفناج» که چینی‌ها به آن خیلی علاقمندند در دوران سلسله تانگ بذر آن را از ایران به چین بردند و به زبان چینی «پوه - تسای» خوانده می‌شود که به معنای سبزی پارسی یا ایرانی است یا بذر انگور که از فرغانه به چین برده شد و تلفظ انگور در زبان چینی ممکن است ریشه پارسی داشته باشد. همچنین خرما ی شیرین پارسی را در زمان دودمان تانگ به چین بردند. (جویی لیان، ۱۹۷۳ م.) در این باره «لوفر» معتقد است که نخل خرما که در نزد چینیان به نام عناب پارسی و عناب هزارساله معروف بوده است در پایان قرن نهم میلادی از ایران به چین برده شده است. (لوفر، ۱۹۱۹ م.) جالب آنکه این محصولات که برای سلامتی و تندرستی شهره بودند به قیمتی قابل ملاحظه در بازارهای چینی به فروش رفته و در خوراک‌ها و سفره‌های چینی به کار گرفته می‌شد.

درباره تنوع محصولات غذایی و دارویی ایرانیان و تأثیر آن در تغییر فرهنگ طبی، بهداشتی و مصارف غذایی چینیان گفتنی است که در طی صدور محصولات و مصنوعات فراوان از ایران به چین نام‌های بسیاری از این فرآورده‌ها نیز وارد زبان چینی شده و مردم چین آن را به تلفظ خود درآورده‌اند که در میان آن‌ها، نام‌های سنگ‌ها، گوهرها، داروها، گیاه‌ها، میوه‌ها و حتی برخی اصطلاحات اداری دربار

ساسانی هم وجود دارد و روی هم رفته نزدیک دویست و بیست واژه از زبان‌های ایرانی به زبان چینی رفته است. در این بین کالاهای و محصولات مهمی که در زمان ساسانیان از ایران به چین می‌رفته: «پسته، زعفران، حنا، ترانگبین، کتیرا، نیل، برنج، شکر، زیره، خرما، کرچک، زیتون و برخی داروها و برخی مواد خوشبو و زاج، کافور، صبر زرد، نشادر و پارچه‌های زری، قالی، روی، فولاد، زمرد، فیروزه، لاجورد، الماس، کهربا، مرجان و سنگ‌های قیمتی بوده است (نفیسی، ۱۳۸۷ ش.) که گوهرها و سنگ‌ها بر اساس متون پهلوی می‌توانست در زمینه سنگ درمانی و گوهر درمانی نیز مورد استفاده قرار گیرند^{۱۱} و چینیان که از سنگ‌های مختلف برای مصارف طبی و آرایشی بهره می‌بردند، بدین محصولات بسیار مشتاق بودند. آنان از سنگ لاجورد سایه چشم یا بزک کانی برای پلک چشم درست می‌کردند و به برخی سنگ‌ها مانند یشم به خاطر خاصیت‌های پزشکی، کیمیاگرانه و جادویی ارج می‌نهادند. (بولنوا، ۱۳۸۳ ش.) همچنین مردم چین برخی محصولات آرایشی که استفاده طبی نیز داشت، مانند وسمه ایران را که برای رنگ ابرو بود بسیار می‌پسندیدند و به قیمت گزاف آن را می‌خریدند و برای ملکه‌های خود می‌بردند. (نفیسی، ۱۳۸۷ ش؛ بولنوا، ۱۳۸۳ ش.)

افزون بر این تا بدانجا که از منابع رومی و عهد عتیق برمی‌آید، ایرانیان از عطریات و مواد خوشبو بسیار بهره می‌بردند تا بدانجا که طبق گزارش گزنفون: «آرایشگران، مو و ریش‌ها را مجعد و سپس با روغن‌های معطر و انواع مواد معطر و انواع مواد معطر روغن‌مالی می‌کردند» (گزنفون، ۱۳۸۳ ش.) و از گیاهان خوشبوی که در زمره گیاهان دارویی به شمار آمده و کاربرد دارویی داشتند، برای پاکی محیط و تن استفاده می‌بردند. در این باره در گزارش‌ها نقل شده «شاهان اشکانی به هنگام تاج‌گذاری روغنی معطر بر تن می‌مالیدند که از بیست و هفت ماده

گوناگون ترکیب شده بود» (بهار، ۱۳۹۳ ش؛ کالج، ۱۳۷۴ ش). بر اساس کتاب «التاج»، «هر یک از پادشاهان را در پوشیدن لباس و به کاربردن عطر رسمی و قراری بوده است و در استعمال عطر و به کاربردن مشک و طیب و بوی خوش، سلیقه پادشاهان با یکدیگر متفاوت بوده است، برخی از ایشان موی خود را با روغن گل معطر می کردند و تنها یک نوع عطر اختیار می کردند... و برخی از پادشاهان تن خود را با عطرها آلوده و موی سر را با غالیه اندوده، از آن پس تمام بدن را با گلاب می شستند و به گونه آب روان بر سر و تن فرو ریخته، این شستشوی را همه روزه تکرار می کردند.» (جاحظ، ۱۳۲۸ ش). همچنین منابع دوران اسلامی به عطریات ایرانی و شهرت و تجارت آن اشاره دارند. در این باره «ابن حوقل» گوید: «گلاب فارس را به اکناف و اطراف جهان از جمله به هندوستان و چین و همچنین به مغرب، یعنی شمال افریقا و شام و مصر می برند» و از شهر گور (در دوران اسلامی فیروزآباد)، گلاب و عرق طلعه و عرق قیصوم و عرق زعفران و عرق سوسن و عرق بید صادر می گردد و در شهر شاپور (در فارس) که به گفته «مقدسی»، «خوره‌ای دلگشا است که در هر باغ آن خرما، زیتون، ترنج، خرنوب، گوز، بادام، انجیر، انگور، سدر، نیشکر، بنفشه، یاسمین را با هم بینی» ده نوع عطر روغنی به عمل می آمد: عطر بنفشه، عطر نیلوفر، عطر نرگس، عطر کارده، عطر سوسن، عطر زنبق، عطر مورد، عطر مرزنجوش، عطر بادرنگ، و عطر بهار نارنج، و به «کشورهای مشرق» فرستاده می شد. (مقدسی، ۱۳۶۱ ش؛ یعقوبی، ۱۳۵۶ ش؛ یاقوت حموی، ۱۳۶۲ ش؛ لسترنج، ۱۳۸۶ ش).

بدین سان و با توجه بدین رونق مواد خوشبوی در ایران یکی از محصولات دارویی و آرایشی مورد استفاده در چین «عطر اشکانی» بود که به چند ماده مانند خشل یا مقل ازرق (گیاهی زرد و سرخ و سبز) (دهخدا، ۱۳۴۸ ش) که غشی بود از

کندر اطلاق می‌گردید. همچنین «کندر و مُر» از دیگر نباتات دارویی و گندزدای گران‌بهایی بودند که به چین صادر می‌شدند. (بروسیوس، ۱۳۸۸ ش؛ واتسن، ۱۳۷۳ ش). در واقع استفاده از عطر گیاهان برای خوشبو ساختن محیط و آدمی و همچنین پلشت‌بری پیش از آنکه در چین رواج یابد، استفاده فراوانی از آن در ایران می‌شد و آموزه‌های دینی نیز بهره‌بری از آن را تبلیغ می‌کرد (کاویانی پویا، ۱۳۹۳ ش). و در واقع پیش از این‌که این صنعت از طریق فرنگیان به شرق ایران زمین برسد، این ایرانیان بودند که در انتقال این مواد که بیش از استفاده آرایشی، از آن در مصارف بهداشتی و دارویی بهره برده می‌شد، پیشگام بودند و با توجه به این‌که طبق گزارش اسناد و همچنین سیاحانی که به چین آمد و شد داشته‌اند، هرچند «در چین... انواع گل‌های مختلف پیدا می‌شود، لیکن مردم چین از رنگ گل‌ها بیشتر محظوظ‌اند تا از بوی آن‌ها... و چینیان از گل‌ها عرق نمی‌کشند و بر آن واقف نیستند.» (ماتیو ریچی، ۱۳۸۷ ش). این انتقال فناوری را به چین بیش از دیگر ملل از سوی ایرانیان باید قلمداد کرد.

آمد و شد افراد و کالاها به چین و بالعکس، تنها منحصر به دوران خاصی همچون عصر اشکانی نبود، بلکه در دوران‌های مختلف و به ویژه عصر ساسانی نیز این تبادلات دستاوردها و محصولات ادامه داشت و همچون دوران اشکانی تسلط بر راه‌های اصلی دریایی و صیانت از آن‌ها از جمله دل‌مشغولی بزرگ حکومت ساسانی بوده است و از جمله کالاهای صادراتی در این دوره علاوه بر کتان، پشم، (لفل آذربایجان)، سنبل‌الطیب، عطریات و مهرهای تزئینی، فرش و مروارید بود که عمدتاً به چین صادر می‌شد. (گیرشمن، ۱۳۸۵ ش؛ دریایی، ۲۰۰۳ م). در این راستا، حتی در روزگار اسلامی طبق کتاب «البلدان» کالاهای صادر و وارد شده به چین از طریق ساحل خلیج فارس بدین‌گونه هستند: از چین: پرنده، حریر، ظروف چینی،

کاغذ، مرکب، طاوس، زین اسب، نمد، دارچین و ریوند چینی (نوعی داروست). از اهواز: شکر، قند، نبات، دیبا، خز، خرما و دوشاب، پرده‌های بصرایی، لنگ و دستمال ابریشمی. از فارس: زره، برز کتان، گلاب و اقسام عطریات، انواع پارچه، اقسام شراب، شیشه، خشکبار، سرب، خاک سرخ، گل سیرافی. از شوش: مرکبات، عطریات به ویژه عطر بنفشه و شاه اسپرم، جل اسب و پالان استر و خز. (یعقوبی، ۱۳۵۶ ش؛ آذری، ۱۳۶۷ ش).

آنچه مهم است، ذکر این نکته است که در بین اسناد موجود ایرانی، چینی و حتی رومی به تکرار ذکر از محصولات و تولیدات ایرانی می‌بینیم که به سبب اهمیت آن‌ها در مصارف بهداشتی - درمانی و حتی آرایشی و خوراکی رواج و رونقی به سزا در ممالک دیگر داشته و در چین حتی با نام‌های ایرانی معروف و شناخته می‌شدند. در این میان در عصر ساسانی از بین عمده‌ترین کالاهایی که از ایران به چین صادر می‌شده است؛ بدین محصولات برمی‌خوریم: وسمه معروف ایرانی، قالی‌های ایرانی، سنگ‌های قیمتی و طبیعی و مصنوعی سرمه و مرجان و مروارید بحر احمر و خلیج فارس و منسوجات ایرانی و شامی و مصری و مواد مخدر. (کریستین‌سن، ۱۳۶۸ ش). در این بین مرجان که نقش آن در پزشکی باستان خاطرنشان شده است، در آن زمان در دستور داروسازی چینی جای گرفت و ورود آن از آن پس ادامه یافت. (بولنوا، ۱۳۸۳ ش). بدین‌گونه برخی از این محصولات همچون سرمه و سنگ‌ها به عنوان محصولات آرایشی که منافع طبی نیز داشت به طور مستقیم و غیر مستقیم در صنعت طب به کار گرفته می‌شد. در چین خضاب ابروی مشهور و بسیار گران‌بها، که شهبانوها برای مصرف ویژه خود خواستارش بودند، یعنی همان «سرخاب آبی» به قول ایشان است و همچنین «گل ناخن» یا حنا. ایران همچنین گشنیز ویژه خود را به بار می‌آورد (که لابد خواص بسیار

ویژه‌ای داشته است، زیرا یکی از پنج «گیاهی» است که بر رمل اندازان و رهبانان تأویست حرام شده است (بولنوا، ۱۳۸۳ ش.) در کتاب «ویشو چینی» (قرن هشتم میلادی) به برخی محصولات صادراتی ایران بر می‌خوریم که در این بین اقلام غذایی، و طبی - بهداشتی مشتمل هستند بر: «برنج، جیوه، زرد چوبه، کندر، فلفل، شکر، خرما، مازو، نمک، مواد معطره، عنبر، گندم، جو، ارزن.» (سامی، ۱۳۸۸ ش.) ضمناً قابل ذکر است که در عصر ساسانی با سلطه ایرانیان بر یمن و راه تجاری جنوب، از یمن محصولات و مواد دارویی و بهداشتی مانند صمغ‌های معطر و کندر و مر - که برای بخورات و بلسان در تمامی سرزمین‌های متمدن مورد نیاز بود - به ایران وارد شده و رواج یافته و به تبع آن از اقیانوس هند به چین انتقال گردید و در آنجا این محصولات طبی و دارویی مورد استفاده قرار گرفته و استفاده‌ای فراوان داشت. (تقی‌زاده، ۱۳۲۸ ش.)

چینی‌ها نیز دستاوردها و محصولات طبی و غیر طبی خود را از راه‌های مختلف به ایران سرازیر نموده و ایرانیان بدین محصولات وارداتی روی خوش نشان داده و افزون بر بهره‌بری اقتصادی از این واردات - که به نوبه خود به عنوان یک پل ارتباطی آن‌ها را با قیمتی گزاف روانه بازارهای غربی می‌نمودند - از این محصولات در داخل به گونه‌های مختلف استفاده می‌بردند. رومیان بدین محصولات که از خاور دور و از طریق ایران (و گاه به صورت قاچاقی) به دست آن‌ها می‌رسید، بسیار مشتاق بودند و در این بین محصولاتی همچون: عطر و عود، عنبر، مروارید، منسوجات هندی و چاشنی‌هایی از قبیل میخک، فلفل و دارچین در روم خریداران و رونق به سزایی داشت، (ورستاندیک، ۱۳۸۶ ش.) اما در این بین آنچه از چین وارد ایران می‌شد، سوای کالاهایی همچون ظروف چینی (سلسله تانگ) که در دوران معاصر در بندر سیراف پیدا شده‌اند (وایت هاوس، ۱۹۷۳ م.) و «آهن مشهور

سریک (فولاد)» (ویسهوفر، ۱۳۷۷ ش.) در بین متون و اسناد تاریخی به برخی محصولات برمی‌خوریم که در بین ایرانیان مصرف خوراکی و دارویی داشته و از چین و مرزهای نزدیک بدان، به دست می‌آمد همچون ریواس و دارچین و زنجبیل چینی. (باستانی پاریزی، ۱۳۵۲ ش.) در این باره در رساله «خسرو قبادان و ریدکی» وقتی شاهنشاه از ریدک پرسش‌هایی درباره بهترین خورش‌ها و انبه‌ها خوش‌تر است، ریدکی به برخی خورش‌ها و محصولات چینی اشاره می‌دارد که چگونگی استفاده‌ای که از این محصولات می‌شده است، نشان از قدمت و رواج این مواد در ایران دارد.

«شاهنشاه پرسید که کدام انبه خوشتر است (بند ۴۳): ریدک پاسخ داد (۴۶)، اما با زنجبیل چینی و هلیله پرورده هیچ انبه‌ای برابر نیست.» (جی جاماسب، ۱۳۷۱ ش.)

در واقع به سبب این که (بر اساس گزارش‌های موجود) در چین «گیاهان دوایی بسیار حاصل می‌شود که در جای دیگر پیدا نمی‌گردد و... در این مُلک عقاقیر و ادویه حاره بسیار است و برخی در نفس چین حاصل می‌شود، مثل زنجبیل و دارچین و بعضی را از ولایت‌های گرد و نواحی می‌آورند، مثل فلفل و جوزبوا و امثال آن.» (ماتیو ریچی، ۱۳۸۷ ش.) ایرانیان خواهان این محصولات بودند که در ایران یافت نمی‌شد و با توجه به تبحر در درمان‌گری و این که باور داشتند: «اهورامزدا برای هر دردی در زمین نباتاتی را آفریده و وظیفه هر شخص پرهیزگار ایرانی است که آن را یافته و برای زدودن پلشتی و بیماری به کار گیرد» و نیز با توجه به این که به گفته پلینی (مورخ رومی) بدان گونه به گیاهان دارویی توجه داشتند که «مصرف یک گیاه سبب جلب عنایت شاه و فرد [به کار گیرنده] را جزء مقربان درگاه می‌کرد» (بریان، ۱۳۸۳ ش.) بسیار در به دست آوردن و استفاده از

محصولات چینیان حریص و مشتاق بودند و به دلیل همین امر و در طی این آمد و شدها بود که انواع ادویه و مواد خوشبوکننده از جمله کالاهای وارداتی به پارت به شمار می‌آمدند (بروسیوس، ۱۳۸۸ ش.) و مواد گران‌بهای چون «کافور» که به ویژه در پزشکی و موارد بهداشتی بسیار مفید بود، به انواع مختلف در ایران مورد استفاده واقع گردید. در این باره گفتنی است که کافور - گیاه خوشبویی که نخستین بار نام آن را در بندهشن می‌بینیم - نیز جزء مواد خوشبو جهت بخوردادن و دوددادن استعمال می‌گردیده است. این ماده سفید و جامد با یک بوی شدید فرار، از دو نوع درخت کافور به دست آمده و به عنوان دارویی معطر و با خواص ضد عفونی‌کننده و دفع‌کننده حشرات مورد استفاده قرار می‌گرفته است. (اعلم، ۱۹۹۰ م.) در واقع با وجود این که در شاهنامه این اعتقاد وجود دارد که کافور توسط جمشید به همراه دیگر عطریات همچون بن^{۱۲}، مُشک، عنبر سائل و گلاب حاصل گردید (اعلم، ۱۹۹۰ م.) و استفاده از آن بارها ذکر شده است. (فردوسی، ۱۳۸۶ ش.) گفتنی است که کافور نام دو گونه درختی است که در ژاپن، چین و جزایر سوماترا و برنئو و هندو چین و همچنین ایران می‌رویند و با ایجاد شکاف در پوست تنه این درختان، از آن‌ها کافور استخراج می‌کنند. (بندهش فرنیغ دادگی، ۱۳۷۸ ش.) به عبارتی کافور ماده‌ای قیمتی عجیب و غریب و کمیابی بوده و در بین هبه‌های با ارزش امپراتور قرار می‌گرفت. همچنین این ماده در بین هدایایی که فغفور چین برای اسکندر فرستاده بود، قرار داشت. نقل شده است که در گنجینه (معروف به بهار خرم) خسرو دوم در تیسفون صدها سبد وجود داشت که هر کدام شامل هزار کیسه مُشک^{۱۳} و صد کیسه کافور و... بود. هنگامی که اعراب وارد مدائن (تیسفون) شدند، کافور بسیاری یافتند که اشتباهاً به جای نمک مورد

استفاده قرار دادند. آن‌ها این ماده پلشت‌زدا را در نان استفاده نموده و آن را تلخ یافتند.^{۱۴} (طبری، ۱۳۷۵ ش.)

هـ- رویکرد به علوم و محصولات دارویی - طب‌ی چینی در عصر ساسانی

بر اساس آنچه از اسناد و شواهد پیداست سوای روابط تجاری که سبب غنای محصولات مورد استفاده دو کشور و پویایی اقتصادی طرفین می‌شد، ایرانیان با مشرق زمین و به ویژه چینی‌ها ارتباطات علمی و فرهنگی نیز داشته و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر فرهنگ و علوم چینی‌ها به ویژه علوم پزشکی گذاردند و به نسبت نیز از دستاوردهای علمی و فرهنگی چینیان نیز تأثیراتی گرفتند.^{۱۵} در واقع تداوم روابط بین ایران و چین سبب گردید تا در واپسین سال‌های حکومت ساسانیان نیز با آمد و شد سفرا و انتقال فناوری و دستاوردهای علمی و فرهنگی به قلمرو چین و ایران رو به رو باشیم، به طوری که در سده هفتم میلادی، یکی از فرمانروایان سلسله سوئی پیکي به نام «لی یو» به دربار ساسانیان فرستاد و او در بازگشت، هیأتی ایرانی را با خود به همراه داشت. بر این اساس میان سال‌های ۶۴۷ تا ۷۶۲ میلادی حدود ۲۸ هیأت ایرانی به چین آمدند و طی این روابط به طور نمونه پارچه زربافت مشهور ایرانی به دربار چین وارد شد و بازی چوگان از دوران حکومت سلسله تانگ (۹۰۷-۶۱۸ م.) در چین رواج یافت. (فانگ ژن، ۱۳۷۲ ش.) افزون بر این، ایرانیان در عصر ساسانی توجه خاصی به علوم و دستاوردهای ملل انیرانی و در این بین چینی‌ها نمودند و همین رویکرد سبب رخداد مهمی چون نهضت ترجمه در ایران از همان روزگار نخستین شهریاران ساسانی و ورود متون علمی ملل مختلف و دانشمندان و پزشکان انیرانی و در این بین متون طب‌ی و پزشکان چینی‌ها به ایران گردید. توضیح آنکه در روایت‌های پارسیان (کتاب

سوم و چهارم دینکرد) نخستین گردآوری و تنظیم اوستا به زمان اردشیر یکم بنیانگذار سلسه ساسانی (۲۴۲-۲۲۴ م.) نسبت داده شده است. دینکرد می‌گوید اردشیر برای سامان‌دادن به وضعیت بسیار متشنج ایدئولوژی و سیاست کشور «هیربد» به نام «تنسر» را مأمور به تدوین مجدد نسک‌های اوستا نمود. (شکی، ۱۹۸۱ م.)

در راستای اقدامات فوق اردشیر ساسانی به محض روی کارآمدن اصلاحات و تلاش‌های خود را برای تمرکز سیاسی، دینی، اداری و علمی ایران آغاز کرد. وی افرادی به هند و چین و روم فرستاد تا از کتاب‌هایی که در نزد آن‌ها بود نسخه‌برداری کنند، به علاوه دستور داد کلیه کتاب‌های پراکنده‌شده در عراق را نیز جمع‌آوری کنند و از این طریق بسیاری از آثار تمدن‌های گذشته به ایران منتقل شد (ابن ندیم، ۱۳۴۲ ش.) و این نخستین‌بار در عصر ساسانی است که منابع به ارتباطات علمی بین ایران و چین و اقتباس و استفاده از علوم چینی اشاره دارند.

پس از اردشیر یکم، کار گردآوری و تدوین مجدد نسک‌های پراکنده اوستا در زمان جانشین او شاپور یکم (۲۷۲-۲۴۲ م.) ادامه یافت که در کتاب چهارم دینکرد آمده است: «شاپور فرمود کتاب‌های مربوط به پزشکی، ستاره‌شناسی، حرکت، زمان و مکان و جوهر و عرض و کون و فساد و تغییر و تحول، منطق و دیگر صنایع و مهارت‌ها را که از دین (=کتاب دینی، اوستا) منشعب بود و در هندوستان (شرق) و روم و سرزمین‌های دیگر پراکنده بود، بازگرد آورند و با اوستا تلفیق کردند و بفرمود تا نسخه بی‌عیب و روشنی از همه آن‌ها در خزانه شاهی نگه دارند و امکان آوردن همه نظام‌ها در خط آیین مزدایی را بررسی کرد.» (دوشن گیمن، ۱۳۸۱ ش.; تفضلی، ۱۳۸۴ ش.) شاپور یکم این مأموریت را به هیربدی بنام ارداویراف

محول نمود و نتیجه کار نه صرفاً یک متن دینی، بلکه دایره‌المعارف بزرگی بود که در آن علوم مختلف مندرج شده بود. (جرجی زیدان، ۱۳۶۹ ش.)

در واقع این اقدامات صورت گرفته که سبب غنای علمی ایران شده و به ویژه در اعتلای علوم پزشکی مهم جلوه کرد، بدین دلیل بود که بنابر باور ایرانیان، اسکندر به هنگام فتح قلمرو هخامنشیان بخش‌های علمی کتاب زرتشت را که مشتمل بر دوازده هزار جلد تصنیف بود و بر پوست گاوی نوشته شده بود و شامل همه علوم بود، به یونانی ترجمه کرده و باقی را سوزانید. (تفضلی، ۱۳۷۶ ش.) در این باره سوای متون پهلوی همچون نامه تنسر (۱۳۵۴ ش.) و ارداویرافنامه (۱۳۷۲ ش.) مورخان دوران اسلامی نیز به ترجمه متون ایرانی به زبان‌های دیگر تأکید دارند (طبری، ۱۳۸۴ ش.; بیرونی، ۱۳۸۶ ش.; مسعودی، ۱۳۷۰ ش.; ثعالبی، ۱۳۸۵ ش.; ابن بلخی، ۱۳۶۳ ش.) که از این جمله به زبان چینی نیز اشاراتی شده است. بنابر روایت ابن ندیم، اسکندر پس از ویرانی کامل کاخ‌ها و آثار مادی تمدن هخامنشی، «از آنچه در دیوان‌ها و خزاین استخر بود رونوشتی برداشته، بزبان رومی و قبطی برگردانید و پس از آنکه از نسخه‌برداری‌های مورد نیازش فراغت یافت، آنچه به خط فارسی که به آن کشتج^{۱۶} می‌گفتند، آنجا بود در آتش انداخته، خواسته‌های خود را از علم نجوم و طب و طبایع گرفته و با آن کتاب‌ها و دیگر چیزهایی که از علوم و اموال و گنجینه‌ها و علما به دست آورده بود، به مصر ارسال داشت و چیزهایی در هند و چین ماند که پادشاهان ایران در دوران پیامبر خود زرتشت و جاماسپ حکیم نسخه‌برداری نموده و به آنجا فرستادند، زیرا پیامبرشان زرتشت و جاماسپ آنان را از کردار اسکندر زینهار داده بود.» (ابن ندیم، ۱۳۵۲ ش.)

به هر روی این گونه بود که متون ایرانی در «سراسر جهان» پراکنده شد و یونانیان و مصریان، چینی‌ها و دیگر ملل دانش‌شان را از این متون زرتشتی

گرفتند که اسکندر به یونانی و قبطی ترجمه کرده بود. بر اساس این ایدئولوژی، شاهنشاهی ساسانی، که سعی در ایرانی نمایاندن ریشه و اساس علوم مختلف دنیای آنروز داشت، به گردآوری این متون و دانش‌هایی پرداخت که در اماکن مختلف پراکنده شده بود (گوتاس، ۱۳۸۱ ش.) و از این رو بود که اردشیر و پسرش شاپور دستور به ترجمه متون بیگانه و افزودن آن‌ها به اوستا را دادند. در این باره ابوسهل بن نوبخت در کتاب «النه‌مطان» متذکر شده است که در زمان شاپور مقداری زیادی از کتب هند و «چین» و روم به فارسی نقل و ترجمه شد. (سامی، ۱۳۸۸ ش.)

اما سپس این خسرو اول (انوشیروان) بود که بدین باور ایرانی - که گیرشمن آن را «عصر رستاخیز ایرانی» می‌خواند - (گیرشمن، ۱۳۸۵ ش.) تأکید بیشتری ورزید و فرمان داد به منظور فایده‌رساندن به نوع بشر این متون را ترجمه، مطالعه و از آن‌ها بحث کنند. در این بین کتب پزشکی نیز وجود داشتند که دستور ترجمه آن‌ها به زبان‌های ایرانی یاری بسیاری به اعتلای پزشکی ایرانیان نمود. در این راستا حتی سفر علمی بزرگ‌ترین پزشک دربار «برزویه طبیب» به هند را می‌توان بر اساس این ایدئولوژی و تداوم رویکرد ایرانیان به مشرق سرزمین‌های خویش تصور نمود (ثعالبی، ۱۳۶۸ ش؛ بلوا، ۱۳۸۲ ش.) و پس از عصر ساسانی پارسیان زرتشتی که در دوران فرمانروایی عباسیان می‌زیستند، طبعاً (شاید بر اساس این ایدئولوژی که علوم موجود در کشورهای مختلف را برگرفته از ترجمه علوم ایرانی می‌دانست) برگرداندن همه علوم دیگر را وظیفه خودشان می‌دانستند و فرمان صریح انوشیروان در این خصوص را نیز داشتند. (گوتاس، ۱۳۸۱ ش.) به هر روی رویکرد انوشیروان به اخذ علوم و دستاوردهای علمی دیگر ملل و به ویژه توجه به ممالک شرقی ایران به گونه‌ای بود که در این راستا انوشیروان دستور داد کتب

یونانی، سریانی، هندی، چینی و... ترجمه شوند و کتابخانه عظیمی پدید آمد که برترین کتاب‌های پزشکی، دامپزشکی، گیاه‌پزشکی، داروسازی و... در آن نگهداری می‌شد. (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱ ش.)

با توجه به آزادی‌های موجود برای اخذ و اقتباس از علوم دیگر ملل و دانش اندوزی بدون هیچ‌گونه محدودیت دینی و سیاسی، پزشکان عصر ساسانی شهرتی چنان یافته بودند که این علم و حرفه داروسازی و گیاه درمانی خود را به دیگر سرزمین‌ها برده و در آنجا نیز متداول ساختند، به گونه‌ای که به دلیل رابطه ایران و چین که در دوران قباد پادشاه ساسانی (۴۸۸-۵۳۱ م) برقرار بود، کالاهای داروهای ایرانی به سرزمین خاقان و بالعکس کالاهایی از آن سرزمین به کشور ایران وارد گشت که این امر در طب ایران در زمان ساسانیان بی تأثیر نبوده است. (کوائچی، ۱۳۵۰ ش؛ تشکری، ۱۳۵۶ ش؛ نجم‌آبادی، ۱۳۷۱ ش.)

در این باره گفتنی است که هرچند گیاهان دارویی در چین بسیار حاصل می‌شده است، اما آنچه بین طب ایرانی و داروشناسی و داروسازی چینیان و ایرانیان تفاوت می‌گذاشت، چگونگی بهره‌بری از این گیاهان دارویی بود، زیرا طبق گزارش‌های موجود از سرزمین چین: «جمع ادویه ایشان مفردات است و ادویه مرکبه ندارند» (ماتیو ریچی، ۱۳۸۷ ش.) در حالی که در ایران و گندی شاپور قرابادین‌هایی تألیف شده بود که متأخرترین آن‌ها از واپسین ریاست دانشگاه گندی شاپور، شاپور بن سهل (متوفی ۲۵۵ ق.) به تفصیل ادویه مرکبه، که برای بیماری‌های مختلف ساخته می‌شده، پرداخته و همین تألیفات در داروسازی بودند که شهرت جهانی یافته و تا سده ششم هجری در داروفروشی‌ها و بیمارستان‌های بغداد استفاده می‌شد. (قفطی، ۱۳۷۱ ش.)

در مورد یکی از موارد استفاده از طب ایرانی در شرق این مرزها، گزارش شده است که در بیماری سخت دختر ملکه چین که پزشکان چینی از درمان آن عاجز ماندند، پزشک ایرانی «خرآدبرزین» (در دوران خسرو پرویز) به چین رفت و تشخیص بیماری ملکه را داد و برای تندی ضربان قلب وی از جهت بیماری که داشت کاسنی و آب انار و تره را تجویز نمود. (فردوسی، ۱۳۸۶ ش.) در واقع هرچند این روایت را در مورد دربار هند و درمان بیماری دختر یکی از فرمانروایان نواحی غربی هند می‌توان تصدیق و تأیید کرد، اما این روایت و روایات مشابه از طرفی نشانگر تبحر ایرانیان در استفاده از داروهای مفرده و مرکبه بوده و از سوی دیگر ارتباطات گسترده بین ایران و چین در روزگار ساسانی و بهره‌بری از علوم و دستاوردهای یکدیگر سبب نسبت‌دادن این رخداد با سرزمین چین و نشانگر دامنه این روابط بین ایران و چین می‌باشد.

درباره کثرت و تأثیر ایرانیان در چین و تختگاه آن، همین بس که اصطلاح «هو» که در چین به بیگانگان اشاره داشت در دوران سلسله تانگ معرف ایرانیان بود و برای این ملت به کار می‌رفت و در بین این ایرانیان پزشکان و داروسازان ماهری نیز وجود داشتند. به گونه‌ای که «قربادین وحشیان غربی» که در سده هشتم میلادی انتشار یافته، شرحی درباره داروهای ایرانی دارد و در سده دهم میلادی «لی هسین» از نوادگان خاندانی ایرانی که در دوران فرمانروایی دودمان سوئی در چین ساکن شده بودند کتابی به نام «قربادین داروهای بیگانه» تألیف کرد. (واتسن، ۱۳۷۳ ش.)

باری در کنار ایرانیان و سغدیانی که سوای ارتباطات مستقیم دولت‌های ایرانی با ممالک شرقی، پل ارتباطی در پیوند دادن و انتقال فرهنگ ایرانی به فراسوی مرزهای شرقی ایران بودند، مردمی که در دشت‌های پنجاب در شمال باختری

هند می‌زیستند به سبب اشتراکی که در زبان، اندیشه‌های دینی و نهادها با خویشاوندان‌شان در نجد ایران داشتند، هیچ‌گاه تماس خود را با ایران قطع نکردند. (ساموئل، ۱۹۹۱ م.) و در طی این غلظت ارتباطات با شرق در عصر ساسانی و به ویژه سفر ایرانیان مانوی و دانشمندانی چون برزویه بود که مشاهده می‌گردد در مراکز آموزشی ایران افرادی از مملکت چین نیز ظاهر شده و شروع به فعالیت می‌نمایند به گونه‌ای که برای نخستین بار (دست کم بر اساس گزارش منابع) در دوران ساسانی و در مراکز آموزشی - درمانی آن رَد پای چینی‌ها و علوم چینی را می‌توان ملاحظه کرد.

بدین‌سان علاوه بر یونانی‌ها، مصری‌ها، چینی‌ها و هندی‌ها هم در این مرکز علمی فعال بودند و با کوچ سریانی‌ها که در طبابت بی‌نظیر بودند به رونق علمی آن کمک شایانی کرد و سیل دانشمندان به آنجا سرازیر شد و تأسیس دانشکده پزشکی جندی‌شاپور و رشته‌های وابسته به آن آغاز شد، (شهریونی، ۱۳۸۱ ش.) البته لازم به ذکر است که افزون بر رویکرد مطلوب ساسانیان نسبت به دارندگان دانش، اقدامات این سلسله در زمینه اقتصادی و ایجاد سیستم عظیم آبیاری در گندی شاپور از جمله سیاست‌هایی بود که جمعیت زیادی را که در بین آنان از دانشمندان و پزشکان و بازرگانان بودند، بدین شهر روانه نمود و همین رونق اقتصادی سبب وارد ساختن کالاها و محصولات چینی به ایران که در این بین مواد دارویی و طبی نیز بودند گردیده و همچنین توجه و نظارت ساسانیان سبب ایجاد کارگاه‌های بزرگ و مهمی در این شهر گردید که به طور انحصاری تولید منسوجاتی را در اختیار داشتند. این شهر یکی از مراکز مهم نساجی و عطرسازی بود و محصولات آن تا چین صادر می‌گشت. (لسترنج، ۱۳۸۶ ش؛ امام اهواری، ۱۳۷۹ ش؛ شهبازی، ۲۰۰۳ م.)

باری با اقدامات شهرياران مختلف در جلب پزشكان بيگانه به ايرانشهر و دستور ترجمه متون مختلف و به ويژه تحت تأثير اقدامات خسرو اول، در زمان پادشاهي اين شاهنشاه نظام پزشكي ايرانيان باستان شبكه بزرگي از رشد فرهنگي با ديگر سيستم‌هاي پزشكي بزرگ جهان از قبيل چين و هند و يونان را تشكيل داد. در اين بين آنچه گربر^{۱۷} جامعه جهاني^{۱۸} مي‌نامد، امتزاج اين نظام طب سنتي تحت رهبري آكادمي گندي شاپور بود كه در آنجا هويت بيشترى يافت. (فرخنيا، ۲۰۱۰: ۴۰)

نتیجه‌گیری

روابط مدنی بین ایرانیان و چینیان از زمان‌های بسیار قدیم آغاز شده و در عهد کهن، جریان‌اتی از اندیشه‌ها و دستاوردهای طرفین به یکدیگر رسیده است. در این بین با توجه به راه‌های مهم تجاری و استراتژیکی بین شرق و غرب و سود حاصله از این مبادلات، ایران و چین همواره منافع خود را در پیوند و همکاری با هم می‌دانستند و یکی از نکات مهم در این روابط منافع بود که بر تندرستی و نگاهداشت تن مربوط بود و از طریق ورود برخی اقلام دارویی و گیاهانی که مصارف بهداشتی - غذایی داشتند، حاصل می‌گردید.

در واقع در بین روابط تجاری برخی محصولات مورد مبادله دارای چنان ارزشی برای دولت‌ها و ملل واقع در این مسیرها بود که نام بیشتر راه‌ها برگرفته از این نوع محصول بود و جالب آنکه بیشتر این مواد و محصولات در زمره مواد دارویی - بهداشتی و یا غذایی قرار داشتند همچون ادویه، عطریات، دارچین و

به هر روی ایرانیان و چینیان از طریق این راه‌ها توانستند به آسانی با یکدیگر ارتباط یافته و با توجه به تبحر ایرانیان در داورسازی و به ویژه داروهای مرکبه و عادت دینی و عرفی ایرانیان مبنی بر استعمال مواد معطر و در مقابل وجود برخی نباتات دارویی و غنای سرزمین چین در این زمینه دو کشور توانستند افزون بر سود سیاسی و اقتصادی از دستاوردهای علمی یکدیگر نیز بهره‌مند گردند، البته یکی از عوامل مهم در ایجاد روابط با چین و رویکرد به علوم طبی و دارویی چینیان به سبب باور یا ایدئولوژیی بود که ایرانیان در عصر ساسانی از آن برخوردار بوده و بر اساس آن اخذ و اقتباس از علوم چینی میسر و هموارتر می‌گردید.

به هر روی این ارتباطات سبب شد که چینیان در مواردی گاه به عنوان دانش پژوه در مراکز آموزشی - درمانی ایرانیان حاضر شده و طی این روابط هر دو ملت ایران و چین به درجه والایی از علوم و به ویژه علوم پزشکی نائل آیند.

پی‌نوشت‌ها

1. Chou

۲. به چینی: An-hsi

۳. اشکانیان به خاطر سودی که از کالاهای راه ابریشم و ممالک شرقی به ویژه چین عاید خود می‌ساختند راضی به ارتباط چین و روم نبودند، زیرا با از دست‌دادن کنترل راه ابریشم حتی پشتوانه مالی خود را از دست می‌دادند. (چین، ۲۰۱۳ م؛ کوین، ۱۹۹۷ م.)

۴. بنگرید به: ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۰ ش؛ مک‌گینگ، ۲۰۰۹ م.

۵. ن.ک.: کریستین‌سن، ۱۳۶۸ ش.

۶. ن.ک.: فرای، ۱۳۷۳ ش؛ مجیدزاده، ۱۳۶۶ ش.

۷. در بیان اهمیت راه ادویه می‌توان به سخن یعقوبی توجه داشت که راه‌های رسیدن به چین را از طریق دریا و با عبور از هفت دریا می‌داند که دریای اول دریای پارس و بندر سیراف نقطه آغازین حرکت به طرف چین و مقصد کالاهای چینی از طریق دریا بوده است. (یعقوبی، ۱۳۵۶ ش.)

۸. در متون ایرانی نیز به گونه‌های مختلف و در منابع گوناگون به حبوبات و غلاتی برمی‌خوریم که به وفور مورد استفاده ایرانیان بود. به طور نمونه در ایام نوروز به کلوچه‌هایی برمی‌خوریم که از حبوبات گوناگون مانند گندم، جو، ارزن، نخود، عدس، برنج، کنجد و لوبیا پخته می‌شد و همچنین حبوباتی چون بیز، زیتون، به و انار که در همین ایام کاشته و استفاده می‌گردید. (ایناسترانتسیف، ۱۳۸۴ ش؛ نیز ن.ک.: بندهشن، ۲۰۰۵ م.)

۹. در طی این روابط هست که در اسناد اشکانیان برای نخستین‌بار به محصولات برمی‌خوریم که اصلی چینی داشته و با همان عنوان چینی به مصارف غذایی و دارویی ایرانیان درمی‌آمد و در بازگشت این سفرا بود که (از حدود ۱۳۸ تا ۱۲۶ ق.م) قدرت اشکانی سفیرانی به همراه آنان فرستاد تا برون و وسعت سرزمین‌ها را ببینند و این افراد با خود هدایایی به چین بردند از جمله شعبده‌بازان چیره‌دست، تخم شترمرغ (تخم مرغان بزرگ) و تعدادی شعبده‌باز و جادوگر. (سایکس، ۱۳۶۸ ش؛ دوبواز، ۱۳۴۲ ش؛ جرال، ۱۳۶۷ ش؛ سامی، ۱۳۴۱ ش.)

۱۰. ن.ک.: کاویانی پویا، ۱۳۹۳ ش؛ اعلم، ۱۹۹۰ م.

۱۱. در خاصیت طبی مهره‌ها ن.ک.: روایت پهلوی، ۱۳۶۷ ش؛ کاویانی پویا، ۱۳۹۳ ش.

۱۲. بن میوه‌ای است ریز و مغزی دارد و مردم آن را می‌خورند و آن را دن خوانند و به ترکی چقلاقوچ و به عربی حبه‌الخضرا گویند. در جای دیگری در ویژگی ظاهری و منافع آن آمده است، درختی است و

دانه آن را نیز بن گویند و بن مسخن و مدروباهی و نافع سعال و لقوه و کلیه و ضماد برگش در رویانیدن مو مجرب است. (دهخدا، ۱۳۴۸ ش.).

۱۳. یعقوبی در عصر اسلامی، سده سوم هجری قمری، شرح مفصلی از انواع مواد خوشبوی و از جمله مشک دارد که از سرزمین چین و به ویژه تبت به ایران (خراسان) می آید. (یعقوبی، ۱۳۵۶ ش.).

۱۴. پس از اسلام از نخستین نویسندگانی که درباره کافور بحث می کند «یوحنا بن ماسویه» از پزشکان گندی شاپوری (متوفی ۲۴۳ ق. / ۸۵۷ م.) است که کافور را به عنوان یکی از پنج اصل «مواد معطر ساده»، در کنار مشک، عنبر، چوب آلوئه و زعفران در نظر می گیرد و شش رقم کافور را نام می برد که بهترین آن ها Rabahi نامیده می شود و شبیه نمک سفید است، البته این فرد معتقد است که همگی این انواع کافور از ایران و از سوفا در هند به دست می آید. (اعلم، ۱۹۹۰ م.).

۱۵. درباره تأثیر هنر چینی بر آثار به جامانده ایرانی بنگرید به: کریستن سن، ۱۳۷۹ ش.

۱۶. درباره این خط ابن ندیم گزارش می دهد که دارای بیست و چهار حرف بوده و با آن عهد و موامرات و اقطاعات را نویسند و نقش تیانگشتی و نگارهای جامه و فرش و سکه دینار و درهم پارسیان با این خط است. (ابن ندیم، ۱۳۸۱ ش.؛ مشکور، ۱۳۴۸ ش.).

17. Krober

18. Oikoumne

فهرست منابع

منابع فارسی:

ابن اسفندیار، بهاءالدین. (۱۳۶۶ ش.). *تاریخ طبرستان*. مصحح عباس اقبال، تهران: انتشارات خاور، ص ۲۹.

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۶ ش.). *سفرنامه*. مترجم محمدعلی موحد، تهران: انتشارات آگه، چاپ ششم، ص ۲۰.

ابن بلخی. (۱۳۶۳ ش.). *فارسنامه*. مصحح گای لسترنج و نیکلسوف، تهران: دنیای کتاب، ص ۴۹.

ابن ندیم، محمد بن اسحق. (۱۳۸۱ ش.). *الفهرست*. مترجم رضا تجدد، تهران: ابن سینا، ص ۴۳۶-۴۳۷.

۴۳۶، ۲۲-۲۳

ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۷۰ ش.). *الصیدنه فی الطب*. مصحح دکتر عباس زریاب، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۶۳.

ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۸۶ ش.). *آثار الباقیه*. مترجم اکبر داناسرشت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۳۰۲.

آذری، علاءالدین. (۱۳۶۷ ش.). *تاریخ روابط ایران و چین*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، صص ۴۶-۴۷.

امام اهوازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۷۹ ش.). *تاریخ خوزستان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی، ص ۳۳۷.
آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴ ش.). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها، صص ۴۴-۴۵.

ایناسترانتسیف، کنستانتین. (۱۳۸۴ ش.). *تحقیقاتی درباره ساسانیان*. مترجم کاظم کاظم‌زاده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۵.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۵۲ ش.). *زندهای هفت‌سر*. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ص ۲۲۸.

بروسیوس، ماریا. (۱۳۸۸ ش.). *ایران باستان*. مترجم عیسی عبدی، تهران: نشر ماهی، صص ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۶۴، ۱۶۷.

بریان، پی‌یر. (۱۳۸۳ ش.). *امپراتوری هخامنشی*. مترجم ناهید فروغان، تهران: نشر و پژوهش فرزانه‌روز، نشر قطره، دو جلدی، جلد اول، ص ۴۱۳.

بلوا، فرانسوا دو. (۱۳۸۲ ش.). *برزوی طبیب و منشأ کلیله و دمنه*. مترجم صادق سجادی، تهران: انتشارات طهوری، صص ۱۴۳-۱۴۲.

بهار، مهرداد. (۱۳۷۶ ش.). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: نشر چشمه، صص ۲۱۸-۲۱۵.

بولتوا، لوس. (۱۳۸۳ ش.). *راه ابریشم*. مترجم ملک ناصر نوبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۲۰۴-۲۰۵.

بویل، جی.ا. (۱۳۶۸ ش.). *تاریخ ایران (کمبریج)*. مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص ۶۵۰.

بی‌نا. (۱۳۵۴ ش.). *نامه تنسر*. مصحح مجتبی مینوی، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۵۶.

بی‌نا. (۱۳۶۷ ش.). *روایت پهلوی*. متنی به زبان فارسی میانه، مترجم مهشید میرفخرایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، صص ۸۱-۸۳.

بی.نا. (۱۳۷۲ ش.). *ارداویر/فنامه*. مصحح فیلیپ ژینیو، مترجم ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین، ص ۳۹.

پاول تاد، لوئیس. کوپر، کنت اس. وود، کلارنس. سن، راوسورن. (۱۳۴۲ ش.). *سیر تکاملی تمدن*. مترجم هاشم رضی و مجید رضی، تهران: آسیا، ص ۲۴۰.

پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا. (۱۳۶۷ ش.). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. مترجم عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۵۵.

تشکری، عباس. (۱۳۵۶ ش.). *ایران به روایت چین باستان*. تهران: مؤسسه روابط بین‌المللی، ص ۶۴.

تفضلی، احمد. (۱۳۷۶ ش.). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن، ص ۶۵.

تفضلی، احمد. (۱۳۸۴ ش.). *کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی*. ویراستار ملیحه کرباسیان و محمد کریمی زنجانی، تهران: نشر اختران، ص ۳۸.

تقی‌زاده، حسن. (۳۰-۱۳۲۸ ش.). *تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان شهور اسلام و قبل از آن*. تهران: دانشکده معقول و منقول، مجموعه سخنرانی‌های تقی‌زاده در دانشکده معقول و منقول، دو جلدی، جلد اول، ص ۱۹.

ثعالبی، ابومنصور عبدالملک. (۱۳۸۵ ش.). *شاهنامه ثعالبی*. مترجم محمود هدایت، تهران: نشر اساطیر، ص ۱۹۲.

ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۶۸ ش.). *غرر اخبار ملوک الفریس و سیرهم*. مترجم محمد فضائی، تهران: نشر نقره، ص ۲۰۳.

الجاحظ، ابوعثمان عمر بن بحر. (۱۳۲۸ ش.). *التاج*. مترجم حبیب‌الله نوبخت، تهران: چاپ تابان، صص ۱۹۵-۱۹۶.

جرالد، فیتز. (۱۳۶۷ ش.). *تاریخ فرهنگ چین*. مترجم اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۱۹.

جرجی، زیدان. (۱۳۶۹ ش.). *تاریخ تمدن اسلامی*. مترجم علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم، ص ۶۰۲.

- جویی، لیان. (۱۹۷۳ م.). رساله دوستی دیرینه چین و ایران. پکن: انتشارات مؤسسه نشریات زبان‌های خارجی، صص ۴-۵.
- جی جاماسب آسانا، دستور منوچهر. (۱۳۷۱ ش.). متون پهلوی «خسرو قبادان و ریدکی». گزارش سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۶.
- خوجوئه. (۱۳۶۳ ش.). قرنفل، جوزبویا، فلفل، دارچین: سرگذشت ادویه. پیام یونسکو. شماره یکصد و هفتادم، صص ۲۰-۲۱.
- دادگی، فرنخ. (۱۳۷۸ ش.). بندهش. گزارش مهرداد بهار، تهران: توس، ص ۱۸۳.
- دانیل، گلین. (۱۳۶۳ ش.). تمدن‌های اولیه و باستان‌شناسی خاستگاه آن. مترجم هایده معیری، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۱۲.
- دریایی، تورج. (۱۳۸۳ ش.). شاهنشاهی ساسانی. مترجم مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ص ۴۲.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۸ ش.). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۵۸۵-۲۹۱.
- دوبواز، نیلسون. (۱۳۴۲ ش.). تاریخ سیاسی/اشکانیان «پارت». مترجم علی‌اصغر حکمت، تهران: انتشارات ابن سینا با همکاری انتشارات فرانکلین، ص ۳۰.
- دوشن گیمن، ژاکوب. (۱۳۸۱ ش.). «دین زرتشت»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان. مترجم حسن انوشه، تهران: نشر امیرکبیر، ص ۳۰۶.
- دیاکونوف، میخائیل. (۱۳۸۷ ش.). اشکانیان. مترجم کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ص ۳۸.
- ریچی، ماتیو. (۱۳۸۷ ش.). چین‌نامه. مترجم محمد زمان، مصحح لو جین، با پیشگفتار مظفر بختیار، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، صص ۱۲-۲۵.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۴ ش.). تاریخ مردم ایران. تهران: امیرکبیر، دو جلدی، جلد اول، ص ۲۷۶.
- سامی، علی. (۱۳۸۸). تمدن ساسانی. شیراز: چاپخانه فولادوند، دو جلدی، جلد اول، صص ۱۰۲، ۲۰۲.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۸ ش.). تاریخ ایران. مترجم سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب، ص ۴۵۵.

شهریونی، مهربان. (۱۳۸۱ ش.). دانشگاه گندی شاپور در گهواره تاریخ. تهران: پورشاد، چاپ اول، ص ۹۲.

طبری، ابوجعفر محمد. (۱۳۸۴ ش.). تاریخ الرسل و الملوک. مترجم صادق نشات، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ص ۷۸.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵ ش.). تاریخ طبری. مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، شانزده جلدی، جلد چهارم، ص ۱۶۵۱.

عطایی، امید. (۱۳۸۶ ش.). پیامبر آریایی ریشه‌های ایرانی در کیش‌های جهانی. تهران: انتشارات عطایی، ص ۳۷۹.

فانگ ژن، کونگ. (۱۳۷۲ ش.). واژه‌هایی از گاه‌شماری ایرانی در چین باستان. مترجم محمد باقری، مجله تحقیقات اسلامی. سال هشتم، شماره اول و دوم، صص ۱۴۴-۱۳۹.

فرای، ریچارد. (۱۳۶۸ ش.). میراث باستانی ایران. مترجم مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۷۱، ۷۶.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ش.). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۹۶، ۳۲۰.

قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف. (۱۳۷۱ ش.). تاریخ الحکماء قفطی. به کوشش بهین دارائی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۸۸.

کالج، مالکوم. (۱۳۷۴ ش.). پارتیان. مترجم مسعود رجب‌نیا، تهران: دنیای کتاب، ص ۸۱.
کاویانی پویا، حمید. (۱۳۹۳ ش.). تاریخ پزشکی ایران باستان. تهران: نشر المعی، صص ۶۰، ۲۱۴-۶۴، ۲۷۵-۲۲۰، ۳۷۵-۳۷۳.

کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۹ ش.). ایران در زمان ساسانیان. مترجم رشید یاسمی، دنیای کتاب، صص ۶۱۵-۶۱۳، ۱۹۱.

کوائچی، هاندا. (۱۳۵۰ ش.). مذاهب ایرانی در چین (از خلال منابع چینی). مجله بررسی‌های تاریخی. سال ششم، شماره سوم، ص ۱۶۰.

کویاجی، سر جی سی. (۱۳۵۳ ش.). *آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین*. مترجم جلیل دوستخواه، تهران: کتاب‌های جیبی، صص ۲-۵.

گزنون. (۱۳۸۳ ش.). *کوروش‌نامه*. مترجم رضا مشایخی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۳۴.

گوتاس، دیمتری. (۱۳۸۱ ش.). *تفکر یونانی، فرهنگ عربی*. مترجم محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۵۷-۶۰.

گوتشمید، آلفرد فن. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*. مترجم کیکاووس جهانگیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۴.

گیرشمن، رومن. (۱۳۸۵ ش.). *ایران از آغاز تا اسلام*. مترجم محمود بهفروزی، تهران: انتشارات جامی، صص ۳۳۲-۳۳۱.

لسترنج، گای. (۱۳۸۶ ش.). *جغرافیای تاریخی، سرزمین‌های خلافت شرقی*. مترجم محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۳۱۴-۳۱۵، ۲۵۶.

مجیدزاده، یوسف. (۱۳۶۶ ش.). *سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان*. *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. سال اول، شماره دوم، ص ۱۲.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۰ ش.). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، دو جلدی، جلد اول، ص ۲۲۴.

مشکور، محمدجواد. (۱۳۴۸ ش.). *خط‌ها و زبان‌های ایران باستان به روایت حمزه اصفهانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. *نامه ایران باستان* (مجموعه مقالات)، به اهتمام سیدمیرمحمد صادق و نادره جلالی، ص ۵۷۱.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱ ش.). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. مترجم علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ص ۶۳۳.

نجم‌آبادی، محمود. (۱۳۷۱ ش.). *تاریخ طب در ایران قبل از اسلام*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، صص ۴۱۹، ۴۲۳.

نفیسی، سعید. (۱۳۸۷ ش.). *تمدن ساسانی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، صص ۱۷۹-۵۸.

واتسن، ویلیام. (۱۳۷۳ ش.). «ایران و چین»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*. پژوهش دانشگاه کمبریج، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، هفت جلدی، جلد سوم، قسمت اول، صص ۶۵، ۶۶۳، ۶۶۶.

ورستندیک، آندره. (۱۳۸۶ ش.). *تاریخ امپراتوری اشکانیان*. مترجم محمود بهفروزی، تهران: جامی، صص ۱۳۷-۱۳۸.

ویسهوفر، یوزف. (۱۳۷۷ ش.). *ایران باستان، از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*. مترجم مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس، صص ۲۱۹-۱۸۸.

یارشاطر، احسان. (۱۳۸۳ ش.). *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. مترجم حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، هفت جلدی، جلد سوم، قسمت اول، چاپ چهارم، ص ۷۱۶.

یعقوبی، ابن واضح (احمد بن ابی یعقوب). (۱۳۴۲ ش.). *تاریخ یعقوبی*. مترجم محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، دو جلدی، جلد اول، چاپ ششم، صص ۲۲۵-۱۴۶.

منابع عربی:

یاقوت حموی، شهاب‌الدین. (۱۳۶۲ ش.). *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. مترجم محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۵۶.

یاقوت حموی، شهاب‌الدین. (بی‌تا). *معجم البلدان*. بیروت: دارالفکر، ص ۱۸۰.

منابع انگلیسی:

Adhami, HR. Mesgarpour, B. Farsam, H. (2007). Herbal Medicine in Iran. *Herbal Gram Journal*. 74: 34.

Alam, H. (1990). CAMPHOR, Encyclopaedia Iranica. Edited by Ehsan Yarshater, Landon and New York: Routledge and kegan, Vol.4, 743.

Chin, T. (2013). The invention of the silk roud, Published by: The University of Chicago Press. *Chicago Journal*. 40(1): 195.

Christian, D. (2000). Silk Roads or steppe roads. *Journal of World History*. 1: 1-26.

Curtin, PD. (1984). Cross-Cultrural Trade in World History. Cambridge: Cambridge University press, 94-103.

- Daryee, T. (2003). The persain Gulf trade in late antiquity. *Journal of World History*. 14(1): 1-16.
- Farrokhnia, R. Sharaki, F. (2010). Social organization reconstruction of ancient Iranian traditional medical system. *Asian Social Science*. 6(8): 188-196.
- Foltz, R. (2013). Silk Road and migration, The Encyclopedia of Global Human Migration. Edited by Immanuel Ness. USA: Blackwell Publishing, 489, 490.
- Kevin, H. (1997). The silk roud: the link between tha cassical worlds and ancient China. *The Classical Bulletin*. 73(2): 119.
- Laufer, B. (1919). Sino-Iranica, Chinese contributions to the history of civilization in ancient Iran with special reference to the history of cultivated plants and products Chicago. Chicago: University of California Libraries, 387.
- Samuel, L. (1991). Manicheism in Chinese Turkestan and China, Encyclopaedia Iranica. by;E.Yarshater, London and New York: Routledge and kegan, Vol.5, 478-481.
- Schafer, EH. (1951). Iranian Merchants in Tang Dynasty Tales. California: University of California Pubications in Semitic Philology, Vol.11, 403-422.
- Shahbazi, S. (2003). Gondesapur the History, Encyclopedia Iranica. Translated by Ehsan Yarshater, London and New York: Routledge and Kegan, Vol.11, 131.
- Shaki, M. (1981). The Denkard Account of the History of the Zoroastrian Scriptures. *Journal of the Czechoslovak Oriental Institute*. 49: 119.
- Whitehouse, D. (1973 a). Chinese Stoneware from Sirāf : The Earliest Finds. South Asian Archaeology Londres: Duckworth, 225-241.

یادداشت شناسه مؤلف

حمید کاویانی پویا: استادیار، عضو هیأت علمی گروه تاریخ، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

پست الکترونیک: Kavyani@uk.ac.ir

Review Iran's relations with China and its impact on the medical-pharmaceutical achievements and products in ancient era.

Hamid Kavyani Pooya

Abstract

China in the ancient world, need the inevitable exports to the West due to the large volume of manufactured goods and products, and in the meantime Iran, as an important country, was located in West China, and from aspect political and scientific and also from the perspective of agricultural products and a variety of high level products. So these two countries saw their interests in relation to each other. The question this will be that, how was important relations between Iran and China in ancient times? And what role these relations played in medical science and medical achievements of Iranian and Chinese? The answers to these questions With respect to the resources and historical reports; noticed that a lot of roads that connected China to Asian countries. That Most notably passed Iranian territory, and of basic commodities and the most popular that passed of these roads were plants that have food and pharmaceutical applications that had such a degree of credibility and plurality that some of the important ways was called to The Pharmaceutical and Health. Also one of the factors regarding Iran to the other nations Sciences and especially Chinese medical achievements was the certain ideology that took place during the Sassanid era. And so it was assumed that Sciences Different nations are taken from the Iranians Bible, and this thinking, caused tolerance and Iranian passion in derived from the Chinese Science

Keywords

Iran and China, the Silk Road, Roads, Medical, Health Pharmaceutical Product